



چرا والدین به فرزندان «آخر» بیشتر توجه می‌کنند؟

یک روانشناس و عضو هیات علمی دانشگاه یکی از عوامل موثر در شکل‌گیری شخصیت را ترتیب تولد فرزندان در خانواده دانست و به تشریح ویژگی‌های شخصیتی فرزندان اول، میانه و آخر پرداخت.

یک روانشناس و عضو هیات علمی دانشگاه یکی از عوامل موثر در شکل‌گیری شخصیت را ترتیب تولد فرزندان در خانواده دانست و به تشریح ویژگی‌های شخصیتی فرزندان اول، میانه و آخر پرداخت.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از ایسنا، ندا علی بیگی با بیان اینکه از دیدگاه علمی فرزندان اول، میانه و آخر از نظر ویژگی‌های شخصیتی با یکدیگر متفاوت هستند، افزود: آلفرد آدلر روانشناس معروف اولین فردی بود که بر اساس مطالعاتی که روی نمونه‌های زیادی از انسانها انجام داد متوجه شد افرادی که فرزند اول هستند با فرزندان میانه و آخر از نظر ویژگی‌های شخصیتی متفاوت هستند که بنا بر این مطالعات می‌توان گفت یکی از عوامل شکل‌گیری شخصیت افراد، ترتیب تولد فرزندان است.

وی در ادامه به تشریح ویژگی‌های شخصیتی انسانها براساس ترتیب تولد پرداخت و گفت: باتوجه به اینکه فرزندان اول از زوجینی متولد می‌شوند که تجربه قبلی پدر و مادری نداشته‌اند و والدینشان تربیت خود را با آزمایش و خطا و ترکیبی از گزینه پیش می‌برند بسیار پایبند مقررات هستند.

علی بیگی افزود: فرزندان اول بسیار قانونمند تربیت می‌شوند به همین دلیل در بزرگسالی افرادی کمال‌گرا هستند، آنها به جزئیات با وسواس بیشتری توجه می‌کنند، همیشه سعی دارند همه چیز را به بهترین نحو ممکن انجام دهند و تلاش می‌کنند دیگران را از خود راضی نگه دارند. آنها بسیار وظیفه‌شناس، منظم، محتاط، کنترلگر و موفق هستند.

بنابر اظهارات این روانشناس و طبق مطالعات انجام شده بیشتر رهبران و مدیران، فرزند اول هستند و از آنجایی که والدین همیشه روی آنها کنترل داشته‌اند آنها نیز سعی دارند برای دیگران نقش کنترلگر و بزرگتر را اجرا کنند، پس در مقام مدیریتی نیز می‌توانند موفق عمل کنند.

این عضو هیات علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی معتقد است که طبق مطالعات، موفقیت تحصیلی فرزندان اول نسبت به سایر فرزندان بیشتر است که در واقع روش تربیتی والدین در این زمینه موثر است.

علی بیگی در ادامه به فشارهای روانی که بر فرزندان اول تحمیل می‌شود اشاره کرد و گفت: فرزندان اول به دلیل اینکه پس از آنها فرزند دیگری متولد می‌شود تجربه عزل دارند؛ به عبارتی آنها تا زمانی که بر تخت پادشاهی خانواده قرار دارند همه چیز برایشان مهیاست اما به محض تولد فرزند بعدی مجبورند همه چیز خود را تقدیم کنند به همین علت ممکن است افرادی حسود، مضطرب، از لحاظ عاطفی حساس و نیازمند کسب تایید دیگران باشند. آنها مدام مراقب دیگران هستند، به شیوه والدینشان به مسائل می‌نگرند و همه چیز را به صورت ریزبینانه نگاه می‌کنند که به علت همین جزئی‌نگری فشار روانی زیادی را تجربه می‌کنند.

وی با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی فرزندان میانی افزود: فرزندان میانی با این تفکر که من نه از بقیه بزرگتر و نه کوچکتر هستم، پس من چه کسی هستم؟ درگیرند به همین علت اغلب احساس طرد شدگی در آنها بالاست. معمولاً فرزندان پر تلاش و با پشتکار هستند زیرا قصد دارند خود را به دیگران ثابت کنند. اغلب انعطاف‌پذیر و در جستجوی اتحاد، توافق و صلح‌اند و از این طریق می‌توانند قدرت و ریاست را در خود پرورش دهند.

علی بیگی با اشاره به اینکه معمولاً فرزندان میانی آرامش بیشتری دارند، تصریح کرد: آنها به دنیای دوستانشان تمایل بیشتری دارند، افکار و احساساتشان را بروز می‌دهند و به دلیل اینکه با سختی کمتری بزرگ شده‌اند و والدین به آنها توجه کمتری دارند سعی می‌کنند دیگران را از خود راضی نگه دارند و بسیار با سیاست و دقیق عمل می‌کنند.

به گفته وی ارتباطات اجتماعی فرزندان میانی نسبت به فرزندان اول بهتر است و راحت تر از خانواده جدا می شوند. این روانشناس درباره ویژگی شخصیتی فرزندان آخر نیز بیان کرد: آنها از فرزندان دیگر آزادانه تر و راحت تر عمل می کنند و به دلیل اینکه معمولاً تحت تاثیر فشار والدین نیستند بسیار اهل تفریح، خونگرم و به نوعی خودخواه هستند.

بنابر اظهارات علی بیگی به دلیل اینکه فرزندان آخر کم سن و سال ترین فرد خانواده اند بیشترین توجه را دریافت می کنند و اگر خواسته شان برآورده نشود ممکن است پرخاشگری کنند به همین دلیل به اصطلاح "لوس" تلقی می شوند. آنها ضوابط را نمی پذیرند، ارزش ها و عقاید دیگران را زیر سوال می برند و شخصیت های انقلابی دارند، یعنی ممکن است الگوی رفتاری شان نسبت به سایر اعضای خانواده کاملاً متفاوت باشد. آنها اهل شوخی و خنده و گاهی اوقات خود محور هستند و در روابط خود دنبال ماجراجویی هستند و به دلیل اینکه اغلب فاصله سنی بین آنها با فرزندان دیگر و والدین زیاد است، احساس تنهایی می کنند. ممکن است آنها احساس کنند کسی آنها را درک نمی کند که اغلب با ازدواج فرزندان بزرگتر این موضوع برای آنها تشدید می شود.

این عضو هیات علمی دانشگاه ادامه داد: ممکن است فرزندان آخر در بزرگسالی مشکلات وابستگی یا درماندگی داشته باشند و هیچ گاه نیاز به مستقل شدن را در خود احساس نکنند. با توجه به اینکه همانند فرزندان اول مشکل پایین آمدن از مقام پادشاهی را ندارند ممکن است به موجودات نازپرورده ای تبدیل شوند که نتوانند مستقل عمل کنند.

وی در پایان یادآور شد: اگرچه ترتیب تولد فرزندان در شکل گیری شخصیت موثر است، اما فاصله سنی میان فرزندان بسیار مهم است؛ هنگامی که فاصله سنی میان فرزندان بیشتر از ۷ سال باشد ممکن است فرزند دوم ویژگی های شخصیتی مانند فرزند اول داشته باشد.

به گفته علی بیگی ترتیب تولد تنها یکی از عواملی است که می تواند در شخصیت افراد اثرگذار باشد و همچنان عوامل مهم سرشت و رفتار والدین، شیوه تربیتی و ژنتیک اهمیت بیشتری دارند.